



يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ

جناب آقای دکتر محسن رنانی

استاد محترم دانشگاه اصفهان

موضوع: دعوت اصغر منتظرالقائم از دکتر محسن رنانی برای گفتگوی علمی

سلام علیکم احتراماً به اطلاع می‌رساند مطالب نامه ۴ شهریور ۱۴۰۲ شمسی شما را مطالعه کردم. شایسته است به اطلاع برساند طی چهل سالی که در محیط دانشگاه حضور دارم به ما فهمانده اند که در مسائلی که تخصص ندارید زبنده نیست اظهار نظر کنید. زیرا تقسیم تخصص ها در دانش ها معلول تکامل علوم است. پیدایش رشته های تخصصی و تقسیم و تمرکز بر تخصص موجبات مرجعیت علمی و رشد رشته های تخصصی شده است. متأسفانه شما در این نوشته از هر دری سخن می‌گویید و مدعی شناخت همه مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه هستید. شاید این هم از هنرمندی و علم لدنی و دانش وسیع شما باشد. شما در این نامه به عرصه حکمرانی و هویت معاصر ایرانی وارد شدید و مدعی شدید که اسب ایرانی مرده است و باید از اسب مرده پیاده شد و لباس هویتی را که سالها برایش خون دل خورده‌ایم و هزینه داده‌ایم و اکنون پوسیده و بی‌مصرف شده است، از تن به درآوریم.

جناب استاد رنانی گویا شما چشمتان را بر همه پیشینه میراث هویت ایرانی و اسلامی بسته اید و باور به هویت ملی ایرانی ندارید. شما گویا در محافل اعتکاف های جوانان و عزاداری های محرم امسال شرکت نکرده اید تا ببینید جوانان ایرانی با چه عشق و محبتی به ندای هل من ناصر ینصرنی حسین لبیک گفتند و ملت ایران میلیاردها تومان صرف عزاداری حسین علیه السلام کردند و بیش چهارمیلیون ایرانی و عموماً جوان در مراسم راه پیمایی اربعین حسینی شرکت کردند و به جذب حضور مغناطیسی فرهنگ ایثار و شهادت کشانده شدند تا نقششان را بیاموزند و ایفای نقش نمایند. گویا شما در اردوهای جهادی و راهیان نور و نماز های جمعه و جماعت در مساجد و زیارت قبور شهدا شرکت نمی‌کنید تا حضور ایرانیان را در اقصی نقاط کشور در این مراسم ببینید. در زیارت مزار شهیدان هزاران جوان دختر و پسر ایرانی مذهبی و یا به ظاهر بد حجاب و یا گاهی چند نفر بیحجاب را هم می‌بینید. لازم نیست راه دوری بروید به گلستان شهدای زادگاهتان رهنان و اصفهان پنجشنبه ها و جمعه ها سر بزنید و شور عاشقی زائرین و میراث ناملموس هویت ایرانی را بر سر قبور شهدا ببینید.

جناب استاد رنانی هویت ایرانی با پیشینه تمدنی کهن بیش از هفت هزار ساله خود، یکی از اصلی ترین خاستگاه های حکمت الهی، دین‌مداری، عدالت طلبی، علم‌دوستی، خلاقیت، هنر و زیباشناسی، مدارا، صلح‌جویی و چهارراه ارتباطی و کانون اشاعه فرهنگ و تمدن در جهان بوده است. هویت ایرانی چه پیش از اسلام و چه پس از اسلام همیشه از مهاجمان عبور کرده و در طول دوران ۱۴۰۰ ساله تاریخ ایران اسلامی پیوسته هویت اسلام و ایران در پیوند و تعامل با یکدیگر بوده است و اسلام اقیانوسی بوده که به ایرانی هویت بخشیده است و در سده یازده هجری بزرگترین شهرها و عمران و آبادانی را در دهلی و حیدرآباد و تاج محل و سمرقند و هرات و استانبول ایجاد کرد. به قول دائرة المعارف انگلیس: اصفهان عصر شاه عباس بزرگترین و زیبا ترین و پرجمعیت ترین شهرهای جهان بود(دائرة المعارف بریتانیکا، ذیل اصفهان). اقتدار فرهنگ ایرانی چنان به بلوغ رسید که زبان فارسی از بنگال تا دکن و کشمیر و ایران و تا مرزهای چین و تا قفقاز و قونیه زبان رسمی بود و خدمت سر ویلیام فرماندار انگلیسی به استعمار کامل شبه قاره هند در ۱۸۳۶ میلادی و جنایت او در حق تمدن ایرانی این بود که زبان فارسی را از رسمیت انداخت. آری هویت اسلامی





به ایرانی علم و تمدن و ابداعات و اختراعات و علوم و صنایع و فرهنگ و هنر داد. به قول آیه الله خامنه ای: این تصادفی نیست. چرا باید ایرانی‌ها بیشترین کتاب تفسیر، بیشترین کتاب حدیث، بیشترین کتاب فقه، بیشترین کتاب ادب عرب، بیشترین کتاب فلسفه و عرفان را نوشته باشند؟ ایرانی به وسیله دانشمندان خود، مهاجمان تمدن سوزی مثل مغولان را تربیت و به تمدن ساز تبدیل کرد. اگرچه پس از جنگ های ایران و روس و تهاجم شرق و غرب به ایران با شکست ایران در جنگ با روسیه و تحمیل عهدنامه های گلستان و ترکمان چای عظمت تاریخی هویت ایرانی و اعتماد به نفس ملی درهم شکسته شد و ایران به کشوری نیمه مستعمره و عرصه کشمکش قدرت های خارجی تبدیل شد و وسعت سرزمینی ایران در شمال غربی و شرقی و شرق کاهش یافت. قفقاز و آسیای میانه و سند و افغانستان از ایران جدا شد. غربیان با هر چه در توان داشتند نتوانستند ایران را مستعمره خود کنند ولی با عهدنامه ها و قرار دادهای تحمیلی مثل رویتر و آخال و لاتاری، انحصار توتون و تنباکو، و تلگراف و بانک شاهی بر شاهان ترسو و بزدل و پلشت قاجاری و کارگزاران آنان تحمیل کردند. شکاف هویتی به همراه وابستگی و تحقیر هویت و اقتدار ملی به عنوان مهم ترین شاخصه این دوره است و دردا و دریغا که هموطنان خودباخته یار و مددکار دشمن خارجی در این اعتماد سوزی جامعه ایرانی شدند. از طرف دیگر بازار مذهب سازی با طراحی سفارتخانه های خارجی هر روز مذهبی نوین برای مردم می تراشید. روزی آقاخانیه و بابیه و روزی حسینعلی بهاء و فتنه بهائیت را راه انداختند و همواره شاهد خیانت های پادشاهان و کارگزاران قاجاریه و روشنفکران فراماسون عاقد این قرارداد ها بودیم. سرانجام ملت و علماء و آزادبخواهان از بی کفایتی قاجاریه به ستوه آمدند و خواهان تاسیس عدالتخانه و مشروطه شدند. ولی این تکاپوها باز با دخالت بیگانگان و استعمار پیر انگلیس و خیانت برخی از به اصطلاح روشنفکران داخلی راه به جایی نبرد.

در دوره پهلوی این وابستگی به غرب و دخالت مستقیم قدرت های فرا منطقه ای خاتمه نیافت و ایرانی به بلوغ تمدنی دست نیافت و بار دیگر با کودتای ۲۸ مرداد قدرت نو ظهور و تازه به دوران رسیده امریکا سد و مانع استقلال و پیشرفت ایران گردید. سرانجام ملت ایران به رهبری امام خمینی در عصرانقلاب اسلامی با شعار نه شرقی و نه غربی نظام سیاسی جمهوری اسلامی و حکومت مردم سالار دینی با هویت ایرانی تشکیل داد و کشوری مستقل و بدون حضور قدرت های فرا منطقه ای شکل گرفت و بیش از چهل و سه سال است که با انواع توطئه های خارجی و داخلی مثل جدائی طلبی در کردستان و خوزستان و آذربایجان و بلوچستان و ترکمن صحرا و کودتا و حمله نظامی و توطئه و ترور ۱۷ هزار نفر از سوی منافقین و سپس جنگ تحمیلی مواجه بوده است و هرفتنه و مکر و فریبی را علیه انقلاب اسلامی پشت سر گذاشته است و با ایستادگی و مقاومت امام خمینی و رهبر انقلاب اسلامی آیه الله خامنه ای و حضور ملت ایران تمامی این فتنه ها خنثی گردیده و ملت ایران به بلوغ تمدنی دست یافته است و قدرت های فرا منطقه ای موفق نشدند نام انقلاب اسلامی را از عرصه قدرت جهانی حذف کنند. هویت ایرانی است که با خون شهدای عزیز آبیاری شده است و مقاوم و نستوه با افتخار و سربلندی و توانمندی در حال تداوم و فتح قلوب ملل دیگر و دستیابی به قله های رفیع پیشرفت همه جانبه است. انقلاب اسلامی با برنامه الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت به قول آیه الله خامنه ای رهبر انقلاب اسلامی در حال رسیدن به قله است و قله های پیشرفت در علوم و صنایع را یکی پس از دیگری در حال فتح کردن است. به قول جان کری: ایرانی ها ثابت کردند که تحریم ها نمی تواند جلوی پیشرفت آنها را بگیرد آنها مردم تحصیلکرده و پیشرفته ای هستند. جک استراو وزیر خارجه انگلیس در کتاب "کار کار انگلیسی هاست" می نویسد: پیشرفت های ایران من را شگفت زده کرده با وجود تحریمها، تهران این روزها بیشتر شبیه به مادرید و آتن به نظر می رسد تا مثلاً بمبئی و قاهره. پروفیسور ابراهامیان در کتاب ایران مدرن می نویسد: انقلاب اسلامی ایران را از یک کشور جهان سومی به یک کشور توسعه یافته تبدیل کرده است.

جناب استاد رنای هویت ایرانی معاصر نشان داد چنان از قدرت برخوردار است که طرح های دنیای لیبرال دموکراسی برای تجزیه و برهم زدن وحدت ملی و امنیت ملی ایران را به راحتی شناسائی می کند و خنثی می نماید. لذا بهتر نیست بگویید آینده تجدد





غربی در ایران لباسش کهنه شده و اسبش مرده است و انقلاب اسلامی بر اسبی راهوار سوار و در حال رسیدن به قله است زیرا اگر چنین بود در همان سال ۱۳۶۰ شمسی با توطئه های انفجار هفتم تیر و ۸ شهریور و ترور های کور منافقین همزمان با جنگ تحمیلی که ۱۷ هزار نفر را شهید کردند، از پای در آمده بود. تاثیر هویت معاصر ایرانی را در یمن و لبنان و نیجریه و قفقاز و جمهوری تارتارستان و مراسم عزاداری حسنی امسال درفرانکفورت آلمان، استرالیا و را ببینید. اسب انقلاب نمرده است. آری شما به جای امید و روحیه دادن و توانمندسازی دانشگاهیان دائماً ادعای بهبود اقتصاد را در گروهی تحول در نهادها و ماهیت حکمرانی با رویکرد لیبرال می دانید و روحیه یاس و نومیدی می پراکنید. منفعت این ناامید سازی به سود چه کسی خواهد بود. به قول آیه الله خامنه ای: پیش از همه چیز، نخستین توصیه ی من امید و نگاه خوش بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه ی قفل ها هیچ گامی نمی توان برداشت آنچه می گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته ام، اما خود و همه را از نومیدی بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشته ام و برحذر می دارم. جناب استاد رنای شما با این نوشته ها موجبات تضعیف هویت ملی ایرانی و روحیه ملت ایران را فراهم می کنید و مطالب شما مثل یک استادی است که بدون تخصص رساله ای را نخوانده و در جلسه دفاع رساله حاضر می شود و بدون آمار و ارقام و اسناد مطالعاتی و نظریه علمی به نقد رساله می پردازد.

حال به مصداق آیه شریفه: با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت نما، و با آنها به روشی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن (سوره نحل(۱۶)، آیه ۱۲۵) و بنا بر سخن خدای متعال: به بندگانم بگو سخنی بگویند که بهترین باشد و خداوند می فرماید: بشارت باد بر بندگانم که سخنان را می شنوند و بهترین آنها را پیروی می کنند. لذا بنا بر وظیفه دفتر هم اندیشی اساتید دانشگاه اصفهان طی یک نامه رسمی از طریق اتوماسیون اداری از شما تقاضا کرد تا برای تبیین و تشریح دیدگاه خود در یک گفتگوی علمی دانشگاهی با همکار ارجمند تان دکتر مهدی طغیانی شرکت فرمایید. ولی چون پاسخی از سوی شما دریافت نگردید، لذا عدم پاسخگویی به گفتگوی علمی از سوی حضرت عالی، اطلاع رسانی عمومی شد. سلامتی و موفقیت برای ملت ایران را از خداوند خواهیم.

اصغر منتظرالقائم

دبیر دفتر هم اندیشی استادان و نخبگان دانشگاهی

دانشگاه اصفهان

